

Economic Consequences of Iran's Foreign Exchange Policy in the Years 1929-1939

Forogh Yazdani* , Ali Bigdeli**

Hossein Abadian***

Abstract

This study examines the causes and factors of the formation of the Foreign Exchange Commission in 1929 in order to deal with the outflow of foreign currency from the country and the consequences of that policy in increasing the export of agricultural products. To advance this policy, the Ministry of National Economy and then the Economic Council were formed in the following year to oversee the country's liquidity. The most important strategy of the country's monetary program from this year onwards was to adopt an austerity policy, that is, the commission determined what products should bring into the country and how much of the allocated currency they could receive. At the same time, traders had to export domestic products at the rate of the currency they had exported, so that the currency could be returned to the country's treasury. To strengthen the value of the national currency, purity was the first priority of economic planning, as it prevented the export of foreign currency. So, the main question of this study is how did the government act to deal with the economic crisis and the shortage of its foreign exchange resources, and what was the result of those actions?

* PhD student of History, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran,
forogh.yazdani20@gmail.com

** Professor of History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (corresponding author),
bigdelia914@gmail.com

*** Professor of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, hoabadian@yahoo.com

Date received: 2022/01/21, Date of acceptance: 2022/05/21



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

This article analyzes the mentioned policy in a descriptive-analytical method and relies on reliable sources as well as statistics, and discusses its strengths and weaknesses.

Keywords: “Economic crisis”, “currency commission”, “monetary policy”, “purity”



پیامدهای اقتصادی سیاست ارزی ایران در سالهای ۱۳۱۸-۱۳۱۰ ش

فروغ یزدانی*

علی بیگدلی**، حسین آبادیان***

چکیده

مقاله حاضر علل و عوامل تشکیل کمیسیون تفتیش اسعار در سال ۱۳۰۸ به منظور مقابله با خروج ارز از کشور و پیامدهای آن در امر افزایش صادرات محصولات کشاورزی را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای پیش بردن این سیاست سال بعد وزارت اقتصاد ملی و سپس شورای اقتصاد تشکیل شد تا بر نقدینگی کشور نظارت بیشتری اعمال نماید. مهمترین راهبرد برنامه پولی کشور از این سال به بعد، اتخاذ سیاستی ریاضتی بود، یعنی کمیسیون یادشده مقرر می‌کرد تولیدکنندگان داخلی چه محصولاتتی باید وارد کشور کنند و چه میزان ارز تخصیصی می‌توانند دریافت نمایند. در عین حال می‌بایست تجار به میزان ارزی که خارج کرده بودند، محصولات داخلی صادر می‌کردند تا ارز مزبور به خزانه کشور بازگردد. برای تقویت ارزش پول ملی، تهاوتر اولویت نخست برنامه‌ریزی اقتصادی بود، زیرا به این شکل مانع صدور ارز به خارج کشور می‌شدند. بنابراین پرسش اصلی مقاله حاضر این است که دولت برای مقابله با بحران‌های اقتصادی و کمبود منابع ارزی خود، چگونه عمل کرد و نتیجه آن اقدامات چه بود؟ مقاله حاضر

* دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران،

forogh.yazdani20@gmail.com

** استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، bigdelia914@gmail.com

*** استاد گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران، hoabadian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱



با روشی توصیفی-تحلیلی و با اتکاء به منابع معتبر و نیز آمار و ارقام، سیاست یادشده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و نقاط قوت و ضعف آن را به بحث می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: بحران اقتصادی، کمیسیون اسعار، سیاست پولی، ارز، تهاتر

۱. مقدمه

به دنبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و اعمال انحصار بر تجارت خارجی این کشور، تعدادی از سرمایه‌گذاران ایرانی یا ورشکسته شدند و یا در معرض ورشکستگی قرار گرفتند. به علاوه صادرات محصولات ایران به اتحاد شوروی، با مشکلات فراوانی مواجه شد، زیرا دولت شوروی بود که تصمیم می‌گرفت چه کالاهائی باید وارد و یا صادر شوند. در این شرایط با اینکه از سال ۱۳۰۵ مناسبات گسترده اقتصادی با جمهوری وایمار در آلمان شکل گرفته بود، اما دولت ایران قصد داشت سیاست صنعت‌سازی در پیش گیرد و برای این منظور به ارز فراوان نیاز داشت تا بتواند کالاهای سرمایه‌ای وارد کند. وقوع بحران اقتصادی سال ۱۳۰۸ در جهان سرمایه‌داری، باعث شد تا اقتصاد ایران هم وارد یک دوره رکود شود. بنابراین ضرورت داشت سیاست تمرکز اقتصادی که از سال‌ها قبل توسط کسانی مثل علی اکبرخان داور و دکتر احمد متین‌دفتری مطرح می‌شد، رسماً اجرائی شود. برای این منظور باید سیاست پولی ویژه‌ای اعمال می‌شد تا بر صادرات و واردات نظارت دقیق‌تری انجام گیرد، پس نخستین اقدام تأسیس کمیسیون تفتیش اسعار بود که بر صادرات و واردات ارز مقررات سخت‌گیرانه‌ای اعمال می‌کرد. بر اساس این سیاست تجار و بازرگانان باید کالاهائی وارد کشور می‌کردند که دولت پیشنهاد می‌کرد، ارزی که از طریق واردات خارج شده بود، باید از طریق صدور محصولات کشاورزی به خزانه کشور برگردانده می‌شد. نه تنها تجار ایرانی موظف بودند این مقررات را رعایت کنند، بلکه حتی شرکت‌هائی مثل فروشتال آلمان موظف بودند در برابر کالاهای سرمایه‌ای و صنعتی که به ایران وارد می‌کنند، حداقل معادل ارزی واردات خود، محصولات کشاورزی ایران را صادر نمایند. مزیت نسبی ایران در امر کشاورزی تولید پنبه بود، بنابراین با گسترش صنایع مربوط به این محصول، نساجی ایران رونق بی‌سابقه‌ای یافت. بعلاوه به منظور بازاریابی بیشتر، کنترل کیفی محصولات و از جمله بسته‌بندی میوه‌ها، مورد توجه قرار گرفت و در کنار آنها بر توزیع و نرخ‌گذاری محصولات مصرفی مثل برنج و غلات، نظارت شدیدی انجام شد. هم‌زمان ساخت کارخانه‌های قند، شکر و چای اجرائی شد. با صدور کالاهائی مثل

پوست، پشم، روده، روناس، انغوزه، زرشک، زعفران، قالی، پنبه، خاک اره و کالاهای مشابه، مقداری ارز به دست می آمد و از طریق همان ارز محصولات صنعتی به منظور راه اندازی کارخانه های پنبه پاک کنی، برنج کوبی، قند و چای، تجهیزات لازم برای ساخت سیلو، احداث تونل، راه آهن و بتون مسلح برای تأسیس ساختمان های جدید وارد می شد.

به مرور برای ممانعت از صدور ارز، سیاست تهاتر بیش از پیش اولویت پیدا کرد، سیاست ریاضتی ارزی فوق، باعث شد تا بسیاری از تجار از ورشکستگی نجات پیدا کنند. در این بین عده ای مثل علی اکبرخان داور، تأسیس دولت ملی را در گرو اقتصاد ملی می دانستند، برای این منظور راهی جز تکیه بر مزیت های نسبی کشور در امر کشاورزی به ویژه تجارت پنبه وجود نداشت. برای شکل گیری اقتصاد ملی تأمین ارز به منظور شکل دادن پایه های صنعتی کردن کشور ضرورت داشت، تشکیل کمیسیون تفتیش اسعار و اعمال سیاست ریاضتی بر اقدامات پولی دولت در این راستا صورت گرفت. مقاله حاضر تلاش می کند این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و پیامدهای اقتصادی آن را تبیین نماید.

۲. سیاست ارزی دولت در دوره بحران اقتصادی

پیش از اینکه بحران اقتصاد جهانی آغاز شود، دولت های ایران به منظور تأمین ارز مورد نیاز خود، سیاست انحصار اقتصادی در پیش گرفتند. هرچند عایدی این انحصارها چندان قابل توجه نبود و با درآمدهای نفتی که عاید شرکت نفت انگلیس و ایران میشد، قابل مقایسه نبود، اما به شکلی مقطعی و کوتاه مدت کارگشا بود. به طور مثال هرچند عایدی دولت از حق الامتیاز خاک سرخ، سالیانه پانصد هزار ریال بود، (مجله بانک ملی، ۱۳۱۳، ش ۳: ۷) لیکن همین مبالغ نقش مهمی در تشکیل پایه های اقتصاد جدید کشور ایفا می کرد. از این به بعد تا سال ۱۳۱۵ مواردی دیگر بر انحصارهای تجاری ایران افزوده شدند که عبارت بودند از انحصار واردات و صادرات اتوموبیل سواری، کامیون، لاستیک و لوازم یدکی، کتیرا، خشکبار و پوستهای نرم. (مجله بانک ملی، ۱۳۱۵، ش ۱۰: ۱۲)

اهمیت موضوع در این است که در سال ۱۹۲۹ مصادف با ۱۳۰۸ شمسی، بحران اقتصادی بزرگی کشورهای اروپایی و امریکا را فراگرفت، در اثر این بحران بیکاری، گرانی، تورم و رکود جوامع سرمایه داری را در خود فروبرد. برای برون رفت از این وضعیت اقتصاددان مشهور انگلیسی جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) پیشنهاد کرد تا صنایع بزرگ و نظام پولی تحت کنترل دولت درآید، دولت برای کمک به اقبال فرودست اجتماعی برخی حمایت های

اقتصادی را در دستور کار قرار دهد و به این شکل مانع از فروپاشی جامعه به دلیل بحران‌های ادواری نظام سرمایه‌داری شود؛ عملاً هم همین موضوع در دستور کار برخی دولت‌های آنگلساکسون قرار گرفت.^۱ در جوامع اروپائی این بحران زمینه را برای بروز انواع و اقسام جنبش‌های فاشیستی فراهم نمود، به گونه‌ای که تقریباً در کلیه جوامع اروپائی این‌گرایش مشهود بود، پیامد این جنبش‌ها شکل‌گیری نازیسم در آلمان و ظهور تمایلات نژادپرستانه در کشورهایی مثل ایتالیا، هلند، سوئد، انگلیس، اسپانیا، دانمارک، فرانسه و سایر کشورهای اروپائی بود.^۲

اما بحران اقتصادی فقط مختص جوامع اروپائی و امریکا نبود، بلکه در کشورهای مثل ایران هم بازتاب‌های فراوانی یافت، نخستین واکنش‌ها در برابر این بحران، رکود اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی کشور در برابر پوند و دلار بود. مثل کشورهای اروپائی و امریکا، به منظور حفظ ارزش پول ملی، دولت ایران تصمیم گرفت تا نرخ ارز را خود کنترل نماید، به همین دلیل «قانون تفتیش اسعار خارجی» به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون در تاریخ ششم اسفندماه ۱۳۰۸ تصویب شد، ابتدا کمیسیونی برای تعیین نرخ ارز تشکیل گردید که به «کمیسیون نرخ اسعار» مشهور بود. طبق ماده اول این قانون حق معاملات ارز «موقتاً منحصر به دولت و بانک‌هایی» بود که «در ایران مقیم بوده» و طبق مقررات دولت ایران عمل می‌کردند. اگر بانکی نماینده خود را به کمیسیون نرخ اسعار نمی‌فرستاد، حق خرید و فروش ارز نداشت. تجارت‌خانه‌هایی که دارای دفتر قانونی بودند، طبق تصویب‌نامه هیئت وزراء می‌توانستند معاملات ارزی کنند، مشروط به اینکه از مقررات مصوبه تبعیت نمایند.

نرخ ارز را کمیسیون اسعار اعلام می‌کرد و طبق بند دوم این قانون، هرگونه معامله اعم از اینکه با پول فلزی باشد و یا کاغذی، با نرخ غیر از نرخ مصوب کمیسیون ممنوع بود. جمع‌آوری و احتکار ارزهای خارجی بعلاوه طلا و نقره ممنوع بود، هیچ شخص حقیقی و یا حقوقی حق نداشت بدون اجازه کمیسیون تعیین نرخ ارز، اسعار و نقود خارجی را به غیر واگذار نماید. همچنین خرید و فروش ارز به منظور بالا و پائین بردن مصنوعی قیمت؛ ممنوع بود، حتی اگر کسی می‌خواست پول ایرانی از خارج وارد کند بدون اینکه معادل ارزی آن را اعلام نماید، مرتکب جرم شده بود. کسی حق نداشت ارز خارجی را بدون اجازه مخصوص کمیسیون تفتیش، قرض کند یا به دیگری قرض دهد. وارد کردن شمش نقره ممنوع بود، مگر اینکه از آن شیء قابل مصرف ساخته شده باشد. بعلاوه «صادر کردن طلا به هر صورتی که باشد»، یعنی خواه به شکل زینت آلات و یا شمش، ممنوع بود. در مورد نقره، مسافری

می‌توانستند حداکثر تا ارزش بیست تومان نقره زرگری شده حمل نمایند. برای صدور اسکناس هم میزانی که قانون در نظر گرفته بود، مجاز شناخته شد. بر اساس ترازنامه های بانک ملی، این سیاست باعث شد تا میزان اندوخته طلا و نقره تقریباً تا شروع جنگ دوم جهانی ثابت باقی بماند. (مجله بانک ملی، ۱۳۱۷، ش ۲۷: ۴۲۷) بر اساس منبع فوق هرچند توازن حجم اسکناس‌های در گردش به نسبت اندوخته طلا و نقره در اواخر این دوره بیشتر شد؛ اما سیاست ممنوعیت صادرات طلا و نقره نقش مهمی در تثبیت نرخ ارز و کنترل حجم نقدینگی برعهده داشت:



برای تثبیت نرخ ارز کمیسیونی پنج نفره به انتخاب هیئت وزراء در تهران تشکیل می‌شد و وظیفه آن رسیدگی به تقاضاهایی بود که از سوی مشتریان ارز ارائه می‌گردید. کلیه بانک‌های خارجی و داخلی حق نداشتند بیش از میزانی که کمیسیون فوق تعیین می‌کند به مشتری ارز ارائه دهند. هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق نداشت بیش از میزان مورد نیاز واقعی خود ارز تهیه کند، موقع خرید ارز متقاضی باید کتباً اعلام نیاز می‌کرد، همچنین در قبال خرید ارز باید رسید صادر می‌شد و اسم خریدار قید می‌گردید؛ هیچ متقاضی و یا خریداری حق نداشت ارز خود را به غیر انتقال دهد مگر اینکه کمیسیون اجازه دهد.

اگر یک متقاضی نیاز فوری به ارز داشت، بانک‌های مجاز می‌توانستند «تا دو هزار قران» ارز خارجی بفروشند، مشروط به اینکه خریدار دلیل فوری بودن تقاضای خویش را کتباً اعلام می‌کرد. بانک باید این تقاضا را به کمیسیون تفتیش ارسال می‌نمود و کمیسیون بود که تصمیم می‌گرفت ارز فوراً داده شود و یا فروش آن به تأخیر افتد. دارندگان ارز باید میزان دارائی ارزی

خود را به دولت اعلام می‌کردند، اگر کسی می‌خواست ارز خود را بفروشد؛ ابتدا باید به دولت یا بانکی که از سوی دولت معین شده بود، پیشنهاد فروش می‌داد.

طبق ماده هشتم، در تهران سه روز بعد از تصویب این قانون، یعنی از نهم اسفندماه ۱۳۰۸ مفاد آن باید اجرا می‌شد، در سایر ایالات و ولایات مدت مزبور ده روز بعد از تصویب قانون یعنی از ۱۶ اسفندماه آن سال در نظر گرفته شد. (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره هفتم، ۶ اسفندماه ۱۳۰۸)

به مرور دولت سیاست سخت‌گیرانه‌تری برای تثبیت نرخ ارز اتخاذ کرد. مثلاً اگر شرکت یا فردی می‌خواست کالائی وارد کشور کند، باید محصولات کشاورزی و صنعتی ایران هم به خارج صادر می‌شد، به عبارت بهتر به جای صدور ارز، باید تهاتر صورت می‌گرفت. این امر شامل کالاهای سرمایه‌ای که دولت برای استفاده خود وارد می‌کرد، نمی‌شد. با اتخاذ این سیاست به رغم واردات برخی کالاهای صنعتی و سرمایه‌ای، تراز واردات ایران تا آستانه جنگ دوم جهانی، رشدی منفی نشان میداد. (مجله بانک ملی، ۱۳۱۸، ش ۳۶: ۲۳۱) همچنین واردات ماشین آلات کشاورزی و صنعتی که برای افزایش تولید و اشتغال وارد کشور می‌شد، از این قانون مستثنی بود. شرکت‌هایی که می‌خواستند کالا وارد نمایند، باید به دولت اعلام می‌کردند، سپس دولت سهمیه‌ای تعیین می‌کرد و حتی بندری را که کالا از آنجا باید صادر می‌شد، به متقاضی اعلام می‌نمود. این قانون تا سال ۱۳۲۰ چندبار اصلاح شد، لیکن مضمون و محتوای اصلی آن همان کنترل سیاست‌های پولی به مثابه ابزار اصلی انحصار تجارت خارجی بود.

متعاقب این مصوبه طرح تشکیل وزارت اقتصاد ملی به تصویب رسید. طبق این طرح «وظایف وزارت اقتصاد ملی بطور کلی فراهم آوردن موجبات تکثیر قوه مولد ثروت عمومی و به‌کار انداختن منابع ثروت مملکتی از قبیل شیلات و معادن و جنگل‌ها، ترویج فلاحت» و «فراهم آوردن موجبات ترقی و توسعه تجارت مملکت از نقطه نظر توسعه صادرات مملکت» شناخته شد. (مجموعه قوانین و مقررات، ۱۳۸۸، ج ۱، ۴۱۶)

بعدها در سال ۱۳۱۶ یکی از مهم‌ترین ابزارهای اجرائی کردن سیاست‌های پولی دولت یعنی شورای اقتصاد هم تشکیل شد، این دوره مقارن با نخست‌وزیری مدیرالملک جم بود که نقشی مهم در سیاست تمرکز اقتصادی دولت داشت. دولت طرح و برنامه‌های خود را به این شورا ارائه می‌داد و شورا پس از بررسی‌های لازمه نتیجه را به هیئت دولت ابلاغ می‌کرد. رونوشتی از مصوبات شورا به عنوان بخشنامه به وزارتخانه‌های ذیربط ارسال می‌گردید. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۱، سال ۱: ۱)

۳. سیاست انحصار صدور کالاهای کشاورزی

برای تأمین ارز، باید صادرات محصولات کشاورزی در اولویت قرار می‌گرفت، بنابراین برخلاف نظرات داور، بسیاری عقیده داشتند ایران کشوری کشاورزی است و به جای تأکید بر صنعتی‌شدن، باید اولویت را به کشاورزی داد: «مختصری مطالعه به خوبی ثابت میکند هر اصلاحی که اساسی باشد باید در قسمت فلاح و ترتیب زراعت که اساس زندگی فردی این مملکت را تشکیل می‌دهد»، انجام شود. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۱۲۵۵: ۱) تأکید بر مزیت نسبی اقتصاد ایران که بنیاد اقتصاد ملی را تشکیل می‌داد، شاید بر اساس آموزه‌های فردریک لیست^۳ اقتصاددان مشهور آلمانی در دهه سوم قرن نوزدهم میلادی صورت گرفته باشد. او بر این باور بود که اساس اقتصاد ملی مبتنی بر مزیت‌های نسبی هر کشور است که آن را از دیگر کشورها متمایز می‌کند. (Americana, vol. 17, 1985: 555)

از سوئی به نظر او هر کشور برای دستیابی به اقتصادی نیرومند، باید فرآیند صنعتی‌شدن را در پیش گیرد و از این راه کارخانه‌ها راه‌اندازی شوند و نظام کشاورزی مکانیزه گردد. (لیست، ۱۳۸۷، ۵۰-۵۵). در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۴ هـ.ش تا ۱۳۲۰ هـ.ش تلاش شد؛ این نظریه در ایران اجرائی شود. پشتوانه نظری این تلاش اندیشه ایجاد اقتصاد ملی بود که توسط کسانی مثل علی‌اکبرخان داور مطرح می‌شد. داور که از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۲ وزیر عدلیه بود، بلافاصله بعد از خاتمه دوره وزارتش در عدلیه، وزیر مالیه شد و این منصب را تا زمان مرگ در اواخر ۱۳۱۵ حفظ کرد. در این مقطع بود که سیاست انحصار تجارت خارجی بر بنیاد اقتصاد ملی را بیش از پیش کانون توجه قرار داد.

مزیت نسبی اقتصادی ایران تولیدات کشاورزی بود و از این راه امکان جذب ارز وجود داشت. اما برای این منظور تمهید مقدماتی ضرورت داشت، پس مهم‌ترین گامی که برای تحقق این امر برداشته شد، تأسیس «بانک فلاحی» بود که کلیات آن در اسفندماه ۱۳۰۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. مجلس تصویب کرد که یکی از وظایف این بانک، توسعه کشاورزی به ویژه در زمینه اقلامی مثل چای، نیشکر، ابریشم، تنباکو، توتون، پسته، بادام، حنا، روناس، کنف، نیل و به طور کلی هر گونه محصولی است که وزارت اقتصاد ملی ضرورت تولید آن را تشخیص دهد. (مجموعه قوانین و مقررات، ۱۳۸۸/۱: ۴۵۴-۴۵۵) طبق گزارشهای بانک ملی، با اتخاذ این سیاست در دوره بحران اقتصادی از طریق صادرات محصولات کشاورزی، درآمدهای زیادی عاید کشور گردید. جدول زیر نشان می‌دهد که صادرات مواد غذایی به نسبت

محصولات صنعتی، در فاصله زمانی سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ افزایش قابل توجهی نشان می‌دهد و این امر نقش مهمی در واردات ارز به کشور داشته است:

صادرات ایران در سنوات ۱۳۰۸-۱۳۱۰/۱۱ بدون مواد نفتی

سال	وزن به میلیون من							
	مواد غذایی	انداکس	مواد خام	انداکس	محصولات صنعتی	انداکس	وزن کل صادرات	انداکس
۱۳۰۸	۴۵۰۵	۱۰۰	۱۸۰۳	۱۰۰	۳۰۵	۱۰۰	۶۷۶	۱۰۰
۱۳۰۹	۴۲۰۸	۹۴۰۱	۱۴۰۴	۷۸۷	۲۰۱۲	۶۹۵	۶۰۹	۹۰۱
۱۳۱۰/۱۱	۶۰۰۹	۱۳۴	۱۸۰۹	۱۰۳	۱۹۰	۶۲۳	۸۴۳	۱۲۵

(مجله بانک ملی، س ۱۳۱۳، ش ۲: ۲)

۴. صادرات محصولات کشاورزی و جذب ارز

این در حالیکه در دوره مورد نظر کشاورزی ایران بس عقب مانده بود. پس موضوع‌هایی مثل شرایط جوی کشور و همچنین خشکسالی‌ها و کمبود مکرر بارندگی‌ها، باعث می‌شد تا تشکیل شرکت‌های تعاونی و سهامی زراعی در دستور کار قرار گیرد. کشاورزان به تنهایی و جدای از هم، نه سرمایه لازم و نه تشکیلات ضرور برای فروش یا صدور کالاهای خود در اختیار نداشتند. به همین دلیل داور پیشنهاد کرده بود کشت و برداشت محصولاتی مثل توتون و پنبه به شکل سهامی صورت گیرد. اگر این امر محقق می‌گردید، هم دولت می‌توانست مقداری عایدی ارزی به دست آورد و هم کشاورزان از ورشکستگی نجات پیدا می‌کردند. به همین دلیل بود که در مورد کشت پنبه و تولید منسوجات، برنامه‌ریزی منظمی صورت گرفت، به طوریکه در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۵ به رغم افزایش مصرف داخلی، از طریق صادرات محصولات نساجی، هشتاد میلیون ریال ارز وارد کشور شد. بنابراین مزیت نسبی اقتصاد کشاورزی ایران تولید پنبه و صدور منسوجات شناخته شد. به همین دلیل سطح تولید پنبه که در سال ۱۳۰۸ یعنی شروع بحران جهانی اقتصادی ۱۴/۶۶۴ تن بود و سال بعد کاهشی سی درصدی نشان می‌داد، در سال ۱۳۱۲ به ۳۱/۱۸۵ تن بالغ گردید. (مجله بانک ملی، س ۱۳۱۶، ش ۱۳: ۱۸)

بر اساس گزارش مجله بانک ملی در سالهای مزبور، شرکتهای سهامی زیادی در زمینه تولید نوغان، قند و شکر، تریاک، ابریشم، قماش، پنبه، کنف، برنج، پوست، زعفران، انغوزه، فرش،

پیامدهای اقتصادی سیاست ارزی ایران در ... (فروغ یزدانی و دیگران) ۳۶۷

پشم، کیف و کفش و کنسرو مواد غذایی ایجاد گردید. (مجله بانک ملی، ۱۳۱۵، ش: ۹، ۵-۱؛ همان، ۱۳۱۵، ش: ۸، ۳۷-۳۲) در این زمینه نرخ قران تقویت شد، زیرا مظنه قران از دوره جنگ اول جهانی به بعد، تابع قیمت نقره بود، با منع صدور نقره نرخ ریال هم تثبیت می‌شد. نمودار زیر نشان می‌دهد تراز بازرگانی کشور تنها دو سال بعد از تثبیت نرخ ارز و تقویت قران و صدور محصولات کشاورزی، مثبت شد. (مجله بانک ملی، س ۱۳۱۲، ش: ۱: ۳)

سال	واردات	صادرات	کسری	اضافه
میلیون قران				
۱۳۰۷	۸۲۰	۴۸۰	۳۴۰	-
۱۳۰۸	۹۲۰	۴۸۷	۴۳۳	-
۱۳۰۹	۸۱۰	۴۵۹	۳۵۱	-
۱۳۱۱/۱۳۱۰	۶۶۹	۷۱۸	-	۴۹

از این تاریخ به بعد بیش از دوسوم نیروهای کارخانجات صنعتی کشور در رشته‌های مختلف مربوط به نساجی به کار مشغول شدند، همچنین تعداد کارخانه‌های نساجی کشور تا سال ۱۳۱۷ به بیست و سه مورد رسید و سرمایه این صنعت بالغ بر یکصد و چهل میلیون ریال شد. (ساتن، ۱۳۴۲: ۳۳۸) سطح زیر کشت مزارع تولید پنبه هم افزایش یافت، تنها در طول یک سال از ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۰ سطح زیر کشت مزارع پنبه پانزده درصد افزایش پیدا کرد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۰، ش: ۱۳۳۰: ۳) تا سال ۱۳۱۴ مساحت مزارع کشت پنبه به بیشترین میزان در تاریخ خود یعنی حدود ۲۰۰ هزار هکتار رسید. (میر حیدر، ۱۳۵۵: ۱۶۳) به عبارتی دولت به عمده‌ترین مزیت نسبی اقتصاد کشاورزی کشور یعنی پنبه برای تأمین ارز اتکاء نمود.

تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی به مزارع پنبه منحصر نبود، بلکه صادرات محصولاتی مثل کتیرا هم به شرکت سهامی صادرات کتیرای ایران واگذار شد و تأکید گردید این شرکت بر حسن صادرات و باربندی کتیرا نظارت نماید. (سازمان اسناد ملی ایران، ۲۴۰/۸۲۴۹۵، ص ۳۷) بعلاوه شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست، به عنوان صادرکننده انحصاری پنبه شناخته شد تا برای کسب درآمد ارزی بیشتر تلاش کند. اگر ایران کلیه لوازم صنعتی مورد نیاز خود را وارد می‌کرد، این امر منجر به صدور میزان معتناهی ارز از کشور می‌شد، بنابراین ضرورت داشت ابتدا کشور از نظر اقتصاد کشاورزی به خود متکی شود و سپس برای تأمین ارز به صادرات روی آورد. البته این سیاست از سال‌ها پیش آغاز شده بود، مثلاً از سال ۱۳۰۴ یک قرارداد پایاپای با شرکت آلمانی فروشتال منعقد شد تا صنایع مورد نیاز دولت را تهیه کند و دولت

بتواند نقشه اقتصادی خویش را در زمینه توسعه کشاورزی اجرا کند. هدف این بود که به این وسیله تا هشت سال آینده برای محصولات ایرانی در آلمان بازاری تأمین شود. (متین دفتری، ۱۳۰۴: ۱۰)

بنابراین در کنار شرکت‌های سهامی زراعی، بحث صنعتی کردن کشاورزی به منظور کسب درآمد از طریق صادرات و جلوگیری از واردات کالاهای مصرفی، سال‌ها قبل از بحران اقتصاد جهانی شکل گرفته بود. آرتور میلسو مستشار و رئیس کل مالیه بر این باور بود که دولت ایران باید بتواند با اتکاء به صنایع جدید، صادرات محصولات کشاورزی خود را افزایش دهد و به این شکل ارز مورد نیاز برای رشد اقتصادی را تأمین نماید. (میلسو، ۱۳۵۷: ۱۴)

با این تمهیدات بود که درست در همان سالی که نازی‌ها قدرت را در آلمان به دست گرفتند، صادرات پنبه ایران به این کشور به سی و یک میلیون ریال افزایش یافت، حال آنکه تا همین دو سال پیش این درآمد تنها به پنجاه هزار ریال می‌رسید. در همین سال که دولت ژاپن هم بیش از پیش تمایلات جهانگشایانه‌ای از خود بروز می‌داد، معادل دوازده میلیون ریال از ایران پنبه وارد کرد، حال آنکه میزان صادرات پنبه ایران به این کشور تا همین دو سال پیش صفر بود. (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۱۱۶) در آستانه جنگ دوم جهانی و تا مقطع زمانی شهریور بیست، صادرات محصولات پنبه ایران به آلمان تا حدود پنجاه و هفت درصد افزایش یافت، از این به بعد به جای اتحاد شوروی، آلمان و ژاپن خریدار محصولاتی مانند پنبه و پشم، پوست، روده، خشکبار و گندم ایران بودند. این در حالیست که مناسبات تجاری ایران و شوروی بسیار کاهش یافته یا عملاً قطع شده بود. (مجله بانک ملی ایران، ۱۳۱۶ ش ۱۳: ۲۶-۲۹) در اهمیت موضوع همین بس که تا سال ۱۳۰۵ شمسی، ایران واردکننده کالاهائی بود که از پنبه تولید می‌شد و سالانه دویست میلیون ریال ارز کشور صرف واردات این کالاهای می‌شد، لیکن به ابتکار اشخاصی مثل داور و متین دفتری، با اتکاء به مزیت نسبی کشور در عرصه کشاورزی، ایران نه تنها صادر کننده پنبه و منسوجات شد، بلکه در شرایط بحران اقتصاد جهانی، توانست مقادیر معتابھی ارز وارد کشور کند.

هم‌زمان به منظور بازاریابی بهتر، به موازات صدور برخی کالاهای مصرفی تلاش‌های زیادی برای بهبود وضعیت بسته بندی این محصولات انجام گرفت. روزنامه‌هائی مثل شفق سرخ با اندکی اغراق، تأکید می‌کردند در تجارت دنیای متمدن نوددرصد قیمت به نحوه عرضه محصول اختصاص دارد. بعلاوه نویسنده به ضرورت افزایش تولیدات کشاورزی با اتکاء به ابزارهای جدید صنعتی تکیه کرد و نوشت: «همان موادی را که به طور عادی و معمول ممکن است صد

پیامدهای اقتصادی سیاست ارزی ایران در ... (فروغ یزدانی و دیگران) ۳۶۹

تومان بفروشد، با ادخال صنعت در آن دویست، بلکه سیصد و احياناً هزار تومان می‌فروشند.» (شفق سرخ، ۱۳۰۸، ش ۱۰۱۷: ۲۵) در ادامه نویسنده به نحوه بسته بندی و عرضه کردن محصولات کشاورزی ایران برای سهولت بازاریابی اشاره کرد و نوشت:

ما.... میوه و خشکبار خود را مثل گاه می‌ریزیم و در گونی کثیف و به منفعت یک عباسی در هر منی قناعت نموده و به خارجه می‌فرستیم. در صورتی که اگر همین تعداد میوه را به شکل پاکیزه و تمیز در ظرف‌های قشنگ و خوش سلیقه‌ای جای دهند، به طور حتم سه برابر و چهار برابر بفروش خواهد رسید. (همان منبع)

همین ایراد در سال بعد از سوی نشریه اتاق تجارت به نحوه صادرات محصولات کشاورزی ایران وارد شد:

یکی از معایب بزرگی که صادرات ایران دارد این است که بقدر کافی تنظیف و پاکیزه نیست. شن، سنگ، خاک و معایب دیگر که صادرات ایران دارد، نه تنها کرایه را زیاد می‌کند، بلکه از قدر و قیمت فوق العاده می‌کاهد. (مجله اتاق تجارت، ۱۳۰۸: ۲۵)

بنابراین برای به دست آوردن ارز با اتکاء به صدور محصولات کشاورزی، به نحوه عرضه محصول هم تأکید فراوانی صورت می‌گرفت.

جدول زیر نشان می‌دهد که با اتخاذ این سیاست، میزان درآمد ارزی کشور در سالهای بحران اقتصادی اروپا، به شکل قابل توجهی افزایش یافت. بیشترین نرخ صادرات ایران مربوط به صدور حیوانات زنده و همچنین مواد غذایی و نوشیدنی‌ها بود. آمارها بدون احتساب درآمدهای ناشی از صادرات نفت و محصولات شیلات دریای خزر بود که به ترتیب در انحصار انگلیس و شوروی قرار داشتند:

تجارت خارجی ایران در ظرف سنوات ۱۳۱۰/۱۱ و ۱۳۱۱/۱۲

صادرات (۱)		واردات		
۱۳۱۱/۱۲	۱۳۱۰/۱۱	۱۳۱۱/۱۲ (۳)	۱۳۱۰/۱۱ (۲)	
۱.۷۴۵.۵۴۴	۲.۵۷۴.۲۰۹	۱۹۵.۹۱۲	۶۹۲.۴۸۶	حیوانات زنده
۳۴.۰۰۴.۲۷۰	۶۰.۹۶۲.۷۸۸	۱۸.۷۴۹.۲۵۶	۱۷.۲۷۲.۴۲۳	مشروبات و ماکولات
۱۲.۱۹۴.۳۳۱	۱۸.۸۱۲.۴۷۱	۳۱.۹۸۳.۸۹۵	۳۱.۷۵۶.۰۷۹	مواد خام یا عمل آمده
۲.۲۲۱.۶۷۲	۱.۹۲۱.۳۷۱	۱۳.۵۳۱.۵۰۱	۱۳.۹۹۵.۹۰۰	مواد ساخته شده
۷۷۹	۳.۶۵۱	۲۹۴	۲۰۶	فلزات قیمتی و مسکوکات

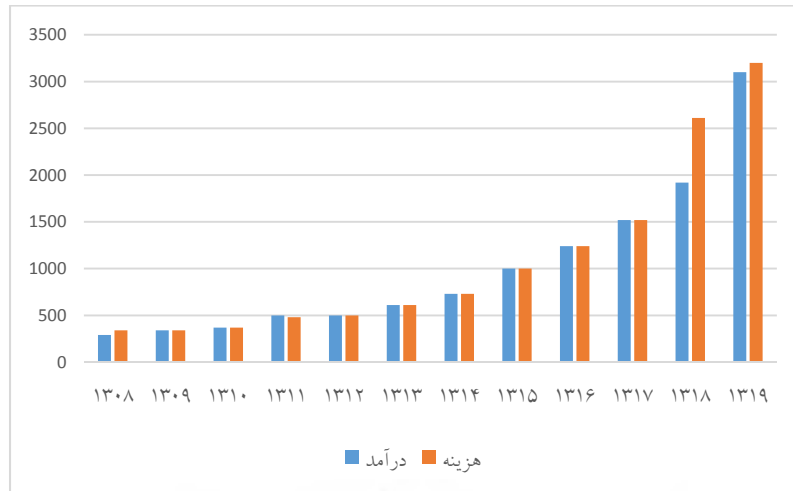
				طلا و نقره
۵۰.۱۶۶.۷۹۶	۸۴.۳۴۵.۴۹۶	۶۴.۴۶۰.۸۵۸	۶۳.۲۱۷.۰۹۴	جمع

(مجله بانک ملی، س ۱۳۱۳، ش ۴: ۳)

۵. تهاتر و سیاست ارزی

بخشی از اهداف اقتصادی دولت ایران، در کنار حفظ ارزش پول ملی؛ در پیش گرفتن سیاست تهاتر در مبادلات خارجی بود. همچنین برای حمایت از تولیدکنندگان کشور، مقرر گردید هر شرکتی که به ایران محصولی صادر می‌کند، باید معادل قیمت کالاهائی که عرضه می‌کند، محصولات کشاورزی ایران را به کشور خود وارد نماید. (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۸۱-۸۳)

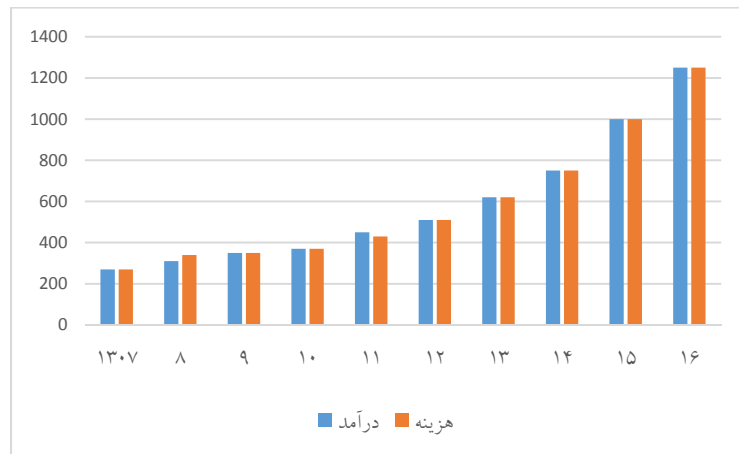
طبق این سیاست در قراردادی که در تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۱۰ به امضاء رسید، کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های آلمانی از سوی وزارت مالیه ایران مأموریت یافتند تا در مدت چهار سال بین بیست تا هشتاد میلیون مارک کارخانه، ماشین و ادوات تخصصی برای فرایند صنعتی سازی کشور وارد کنند. این تجهیزات شامل لوکوموتیو و دیگر لوازمی می‌شد که برای احداث راه آهن لازم بود. در نقطه مقابل باید از ایران مواد خام مثل پنبه و روده و کتیرا و صمغ، بعلاوه میوه‌های خشک و روغنی، غلات و برنج صادر می‌شد. (ساکما، سند ش ۲۴۰۰۱۵۵۸۰) نخستین هیئتی که از آلمان به ایران اعزام شد تا در طرح و برنامه‌های صنعتی مشارکت کنند، متخصصین همین شرکت فروشتال بودند. (همان) سیاست تمرکزگرائی شدید اقتصادی همراه با سیاست تهاتر، باعث شد تا ارزش مورد نیاز به منظور فرایند صنعتی کردن کشور فراهم شود. (مجله اتاق تجارت، ۱۳۱۱، ش ۵۲-۲۶-۱۸) آمارها و نمودارهای بانک ملی نشان می‌دادند که بین صادرات و واردات موازنه‌ای قابل توجه صورت گرفته است و سیاست جذب منابع ارزی به منظور رشد اقتصادی کشور، به دلیل تثبیت نرخ ارز و پول ملی تا آغاز جنگ دوم با موفقیت همراه بوده و عامل جنگ بود که نسبت هزینه به درآمدها را با نوسان مواجه نمود. این نوسان در سال ۱۳۱۸ که جنگ به شکلی غافلگیرکننده اقتصاد ایران را هم تحت تأثیر خود قرار داد، بیشتر بود و سال بعد به سرعت مهار شد:



(مجله بانک ملی، ۱۳۱۹، ش ۴۶: ۱۰)

به طوریکه ملاحظه میشود، به جز سال بحران اقتصادی ۱۳۰۸، درآمدهای دولت نسبت به هزینه ها کمتر بود. به مدت ده سال نوعی توازن بین درآمد و هزینه وجود داشت و به عبارتی دولت کسری بودجه نداشت، اما سال وقوع جنگ جهانی یعنی ۱۳۱۸ بار دیگر درآمدها نسبت به هزینه ها کاهش نشان می داد که این امر طبیعی بود. در سال مالی ۱۳۱۹ دولت توانست آثار تورمی ناشی از جنگ را تا حد زیادی کنترل کند و اگرچه همچنان هزینه ها بیشتر از درآمدها بود، اما همانطور که جدول نشان می دهد؛ دولت توانست موفقیت نسبی در این زمینه به دست آورد.

از طرفی جدول زیر سیر تکاملی بودجه کشور را در اثر در پیش گرفتن سیاست تثبیت نرخ ارز نشان میدهد، یعنی اینکه به موازات برنامه های معطوف به رشد اقتصادی، درآمدهای کشور هم افزایش داشته و نوعی توازن بین درآمدها و هزینه های اقتصادی به وجود آمده است. همانطور که ملاحظه می شود در سال ظهور بحران اقتصادی، میزان درآمدها نسبت به هزینه ها کاهش داشته و در اثر سیاست تثبیت نرخ ارز و تقویت پولی ملی، این فرایند در سالهای بعدی متوازن گردیده است:



(مجله بانک ملی، ۱۳۱۶، ش ۱۲: ۱۶)

این در حالی بود که پیش‌تر در مرزهای شمال‌غربی کشور، تجار آذربایجانی که عمدتاً در صادرات خشکبار فعال بودند، به دلیل انحصار تجارت خارجی در شوروی، ورشکست شده بودند. (بهرامی، ۱۳۳۰: ۱۶۷) موضوع مهم‌تر خطری بود که تولید برنج گیلان را تهدید می‌کرد. یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران به شوروی برنج بود، لیکن درست در سال‌های بروز بحران بزرگ اقتصادی جهان؛ از صادرات این محصول کاسته شد، یعنی طرف شوروی برای حمایت از تولید داخلی خود حاضر نبود مثل گذشته از واردات محصول برنج ایران حمایت کند. خطر در این بود که اگر این وضع ادامه می‌یافت، برنج کاران گیلان ناچار می‌شدند به تولید محصولاتی روی آورند که بازار خارجی بیشتری داشت؛ مثل توتون و یا پنبه. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۰ ش ۱۵۷۴: ۱)

لیکن با درپیش گرفتن تمرکز و ریاضت اقتصادی، حتی کالاهائی که تا چندی پیش ارزش تجاری و اقتصادی نداشتند، در ردیف محصولات صادراتی قرار گرفتند، به طور مثال تخم کدو، زیره و زرشک در این بین قرار داشتند. موضوع دیگر این بود که تا سال ۱۳۱۰ سیلوهای مختلفی در نقاط مختلف کشور ساخته شده بود تا تجربه قحطی‌های بزرگ زمان صادرات سپهسالار و یا جنگ اول جهانی تکرار نشود، این امر باعث شده بود تا نه تنها کشور از نظر ذخیره تولید غلات در موقعیتی مناسب قرار گیرد، بلکه از واردات آرد و حبوبات بی‌نیاز شود. به عبارتی دولت واردات آرد گندم و جو و نیز حبوبات را ممنوع اعلام کرد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۱، ش ۱۴۰۲: ۱)

به مرور دولت توانست بر سه چهارم صادرات و حدود نیمی از واردات نظارت کند. به این شکل صاحبان صنایع نوظهور مورد حمایت قرار گرفتند، ارزش پول ملی افزایش یافت، و با گسترش مناسبات تجاری و بازرگانی با آلمان؛ سطح مبادلات به شدت افزایش یافت. نتیجه اعمال انحصار دولتی این شد که در اواخر حکومت رضاشاه حدود نیمی از واردات ایران از آلمان انجام می‌گرفت، این واردات عبارت بودند از محصولات فلزی و کالاهای سرمایه‌ای که در تأسیسات جدیدی مثل راه‌آهن و تونل‌سازی کاربرد داشتند؛ در مقابل تجار ایران کالاهایی مثل پشم و روده و پيله ابریشم و زعفران و قالی به این کشور صادر می‌کردند. تراز بازرگانی کشور هم مثبت شد.

۶. سیاست ارزی و پایه‌های صنعتی شدن کشور

تا زمان تغییر سلطنت به سال ۱۳۰۴، بخش خصوصی ایران که عمدتاً با روسیه تزاری ارتباط اقتصادی داشت، در اثر انقلاب بلشویکی زیان‌هایی سخت متحمل شده بود. برخی از کارخانه‌ها و کارگاه‌های این بخش عملاً ورشکست و نابود شدند. کارخانه ریسمان‌بافی ناصرالملک، کمپانی بلورسازی ایران، کارخانه چینی‌سازی و ابریشم‌تابی که به امین‌الضرب تعلق داشت، کارخانه قند کهریزک و کبریت‌سازی تبریز که در دست بخش خصوصی بود، عملاً از بین رفتند. طبق گزارش‌های اسناد به طور کلی در سراسر کشور چهارده کارخانه خصوصی وجود داشت که تا سال ۱۳۰۴ تنها پنج مورد آن باقی مانده بود، همان‌ها هم زیان می‌دادند و نیازمند کمک دولت بودند. (ساکما، ش ۱۹۷۰۲/۲۴۰۰).

لیکن به دنبال سیاست‌های پولی دولت و به ویژه از سال ۱۳۱۰ به بعد، به موازات سیاست افزایش صادرات محصولات کشاورزی و ممانعت از ورود اقلام مصرفی، تلاش شد کارخانه‌هایی احداث شوند و با صنعتی کردن کشور، مانع از وارد شدن برخی کالاهای سرمایه‌ای شوند، تا به این شکل جلو خروج ارز از کشور گرفته شود. عمده ترین اقلام مصرفی ایرانیان مربوط به مواد غذایی می‌شد که توسط کارشناسان به دقت مورد بررسی قرار گرفته بود. نتایج این بررسی نشان می‌داد اقلام مصرفی ایرانیان به شرح زیر بوده است:

مصرف مواد غذایی: ۵۶/۲۷٪، البسه: ۱۹/۱۴٪، لوازم منزل: ۹/۹۳٪، سوخت و روشنایی: ۹/۶۰٪ و موارد متفرقه: ۵/۰۶٪ (مجله بانک ملی، ۱۳۱۴، ش ۶: ۸) بالاترین میزان مصرف سرانه مردم ایران عبارت از نان و کمترین کالای مصرفی غذایی شیر بود. (همان، ص ۹) قیمت نان در سراسر این دوره ثابت نگه داشته شد. به طور مثال قیمت هر کیلوگرم نان سنگک در ابتدای

سال مالی ۱۳۱۵ هفتاد و پنج شاهی بود و تا پایان سال به همین میزان باقی ماند. همچنین قیمت قند کله‌ای ثابت ماند، گوشت گوسفندی نوسانی اندک داشت و اقلامی مثل روغن خوراکی اندکی افزایش پیدا کرد. محصولاتی مثل سیگار که نیاز ضروری همه اقشار جامعه محسوب نمی‌شد، بیشترین میزان افزایش را نشان می‌داد. (مجله بانک ملی، س ۱۳۱۶، ش ۱۱: ۸)

برای تأمین اقلام مصرفی مردم و ممانعت از واردات کالاهای غیرسرمایه‌ای، تنها در فاصله سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳، شش کارخانه قند احداث گردید. لیکن به رغم این موضوع، به دلیل رواج الگوی مصرف جدید در بین اقشار شهرنشین، تولید داخلی تکافوی مصارف شهروندان را نمی‌داد. به همین دلیل واردات کشور از ۶۹/۹۵۳/۶۵۹ ریال در سال ۱۳۰۸، به ۹۵/۳۲۴/۰۰۰ ریال در سال مالی ۱۳۱۵-۱۶ بالغ شد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۶، ش ۳۳۷۹، ۱) همچنین با اینکه در سال ۱۳۱۵ هشتمین و آخرین کارخانه قند در میاندوآب تأسیس شد، لیکن به رغم واردات قند و شکر، دولت دیگر هیچ اقدامی برای احداث کارخانه‌ای جدید نکرد. در دوره مورد بحث به این نکته توجه داشتند که سیاست صنعتی سازی باید چند شاخص عمده داشته باشد: مواد اولیه، کارگر ماهر و بازار فروش. مزیت نسبی بازار ایران محصولات قند بود، زیرا برای تولید آن نیازی به کارگر ماهر نبود، مواد اولیه آن به سادگی قابل تهیه بود و البته بازار مصرف داخلی خیلی خوبی هم داشت. با توجه به سیاست منع واردات کالاهای مصرفی و انحصار تجاری و همچنین تثبیت نرخ ارز که دستیابی به مواد اولیه را تسهیل می‌کرد، تنها از آبانماه سال ۱۳۱۱ تا آبانماه ۱۳۱۵ هشت کارخانه قندسازی راه اندازی گردید. این کارخانه‌ها در کهریزک، کرج، شاهی (بهشهر)، ورامین، مرودشت، شاه آباد (اسلام آباد غرب)، آبکوه در مشهد و میاندوآب راه اندازی شدند. (مجله بانک ملی، ۱۳۱۶، ش ۱۲: ۴)^۴

بعلاوه طبق آمار و ارقام، با اینکه ایران صادرکننده پنبه و منسوجات بود، لیکن واردات پارچه‌های پنبه‌ای تا سال ۱۳۱۷ همچنان رواج داشت. (مجله اتاق تجارت، ۱۳۱۷، ش ۹: ۱۸) بنابراین در صنایع نساجی هم به رغم واردات پارچه، دولت تنها توانست کارخانه چیت سازی تهران را در سال ۱۳۱۷ احداث نماید، لیکن فرایند راه اندازی این کارخانه به دلیل وقوع جنگ دوم جهانی نیمه‌کاره رها شد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۴۹) به رغم این موضوع همانطور که پیشتر نشان داده شد، توازن تجاری کشور در اثر سیاست‌های اتخاذ شده، مثبت بود که نشانی از موفقیت سیاست پولی دولت ارزیابی می‌شد.

توضیح اینکه مثلاً در سال مالی ۱۳۱۵ نرخ مبادله لیره استرلینگ با ریال همچنان ثابت مانده بود. نرخ لیره هشتاد ریال بود، «این نکته قابل ذکر است که در ظرف چهل سال اخیر نرخ

پیامدهای اقتصادی سیاست ارزی ایران در ... (فروغ یزدانی و دیگران) ۳۷۵

اسعاری پول کشور هیچ گاه دوره ثباتی به این ممتدی نیپموده است.» (مجله بانک ملی، ۱۳۱۵، ش ۱۱: ۱۷) این وضعیت در سال مالی ۱۳۱۶ هم استمرار یافت. بر اساس آمار و ارقام

هرچند در نتیجه اقداماتی که برای تجهیزات اقتصادی کشور به عمل آمده میزان تقاضا از مبلغ ارزهای حاصله از صادرات عادی کشور تجاوز نموده، ولی این عدم توازن ناشی از جزر و مدهای موقتی است که در عرضه و تقاضای ارزها روی می‌دهد. با وجود این در اثر نظارت رسمی کمیسیون ارزها تعادل بین عرضه و تقاضا حاصل گشته و ثبات نرخ ارزها که کاملاً به سود تجارت خارجی است برقرار مانده. (همان، ۱۳۱۶، ش ۱۲: ۳۰)

بدیهی است صنعت نساجی ایران نمی‌توانست تمام اقلام مصرفی را در برگیرد، شاید به همین دلیل بود که ضرورت واردات برخی کالاهای خارجی احساس می‌شد. نکته دیگر این است که در سالهای آخر سلطنت رضاشاه، تمایل به صنعتی سازی کشور بیش از پیش دولت‌مردان را به خود مشغول کرده بود. به همین دلیل کارخانه‌های حریر بافی، گونی‌بافی، سیمان، چای، کارخانه تولید تراورس برای خطوط آهن و برخی کارگاه‌های کوچک با سرمایه گذاری مستقیم دولت تأسیس شدند. این در حالیست که دولت تا قبل از این تاریخ در تأسیس هیچ گونه کارخانه‌ای به شکل مستقیم حضور نداشت. (ساکما، ش ۱۹۱۸۲/۲۴۰۰: ۵)

در این مقطع تاریخی گاهی اوقات محصول پنبه با افت تولید مواجه می‌شد. مثلاً در سال مالی ۱۳۱۵ شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی خوزستان به دلیل کمبود این محصول ساعت کار کارگران خود را پنجاه درصد تقلیل داد، لیکن در همان زمان در شهرهای تربت حیدریه، ساری، سنندج، قزوین و مشهد یا سفارشهای جدیدی در راه‌اندازی کارخانه‌های ریسندگی انجام شده بود و یا اینکه شاخصها ترازوی مثبت نشان می‌دادند. (مجله بانک ملی، ۱۳۱۵، ش ۱۱: ۴۶-۴۷)

همزمان بر صادرات محصولات مثل قالی، زعفران و خاویار به شدت نظارت می‌شد، نتیجه امر این بود که قالی‌بافی کرمان که در سال ۱۳۰۸ به ورشکستگی رسیده بود، در زمره اقلام صادراتی کشور درآمد. هم‌زمان کارخانه‌ها و کارگاه‌های و شرکت‌های سهامی زراعی شکل گرفتند که یا دولتی بودند و یا از نظر سیاست‌های کلی تحت نظر دولت قرار داشتند. (نک: مجله بانک ملی، ۱۳۱۴، ش ۵: ۴۷-۵۲) تعداد این شرکتها در نقاط مختلف کشور در آستانه جنگ دوم جهانی سیری تصاعدی پیدا کرد. (نک: همان، ۱۳۱۷، ش ۳۳: ۳-۵۰) جدول زیر این رشد را به خوبی نشان می‌دهد:

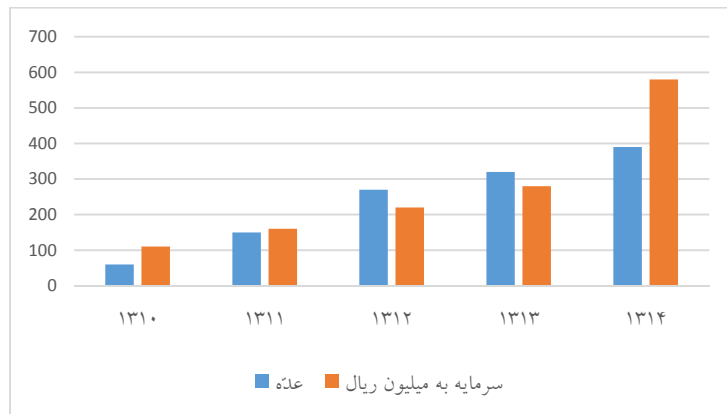
عده و سرمایه شرکت های سهامی ثبت شده موجود در ایران در سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۷

سال	عده			سرمایه (بمیلیون ریال)		
	تهران	شهرستانها	جمع	تهران	شهرستانها	جمع
۱۳۱۰	۱۶	۱۳	۲۹	۱۰۹.۶۹	۲۰.۲۰	۱۲۹.۸۹
۱۳۱۱	۲۴	۲۴	۴۸	۱۲۸.۶۹	۳۲.۷۵	۱۶۱.۴۴
۱۳۱۲	۴۰	۳۷	۷۷	۱۸۱.۷۰	۴۴.۶۲	۲۲۶.۳۲
۱۳۱۳	۵۷	۶۳	۱۲۰	۲۱۷.۰۴	۸۶.۹۰	۳۰۳.۹۴
۱۳۱۴	۹۹	۱۲۹	۲۲۸	۴۹۹.۲۹	۱۸۱.۵۴	۶۸۰.۸۳
۱۳۱۵	۱۴۱	۲۶۸	۴۰۹	۸۷۳.۹۵	۴۲۳.۳۷	۱۲۹۷.۳۲
۱۳۱۶	۱۵۸	۳۴۳	۵۰۱	۶۵۱.۲۷	۴۶۴.۲۰	۱۱۱۵.۴۷
۱۳۱۷	۱۶۴	۳۸۱	۵۴۵	۳۹۰.۷۳	۵۱۶.۹۵	۱۲۰۷.۶۸

(مجله بانک ملی، ۱۳۱۸، ش ۴۴-۴۳: ۸۱۵)

همانطور که ملاحظه می‌شود به دنبال در پیش گرفتن سیاستهای مالی برای تقویت پول ملی و فراهم شدن پشتوانه ارزی، تعداد شرکتهای سهامی از ۲۹ مورد در سال ۱۳۱۰ به ۵۴۵ مورد در سال ۱۳۱۷ بالغ گردید. به عبارتی نه تنها از ورشکستگی شرکتهای در اثر بحرانهای مالی جلوگیری به عمل آمد، بلکه حجم سرمایه در گردش شرکتهای افزایش فراوان یافت. همین وضعیت در مورد شرکتهای نسبی، شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تضامنی موجود بود. نمودار زیر که برگرفته از نشریه بانک ملی است، به خوبی وضعیت سرمایه‌گذاری در شرکتهای تأسیس شده در این دوره را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذارهای مزبور یکی از اقدامات ضروری برای گام نهادن در مسیر اقتصاد ملی بود، اقتصادی که مزیت نسبی خود را تولید کالاهای کشاورزی قرار داده بود:

رتال جامع علوم انسانی



(مجله بانک ملی، ۱۳۱۵، ش: ۹، ۱۴)

پس با اینکه دولت تلاش می‌کرد تا در زمینه صنایع جدید گام‌های بلندی بردارد، لیکن برخی کارشناسان بر این نظر بودند که اولویت اصلی اقتصادی ایران کشاورزی است و برای بی‌نیازی از محصولات خارجی «حتماً باید تکان شدیدی به فلاح‌کشور داده شود.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۱، ش: ۳۲۷۸: ۱) همانطور که ملاحظه می‌شود این «تکان شدید» در سال‌های بعدی محقق شد، به گونه‌ای که به روایت برخی اقتصاددانان تا سال ۱۳۱۸ هفتاد و هفت کارخانه پنبه‌پاک‌کنی در کشور تأسیس شد. (رزاقی، ۱۳۸۱: ۱۷)، همچنین تعداد کارخانه‌های برنج‌کوبی که در سال ۱۳۱۰ تنها هفده واحد بود، در سال ۱۳۱۸ به پنجاه واحد بالغ گردید. (همان منبع) بعلاوه به دلیل در پیش گرفتن سیاست تثبیت نرخ ارز و ممانعت از واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی، صدور محصولاتی مثل برنج محدود شد. آمارها نشان می‌دهند که کل محصول صادرات برنج ایران در سال مالی ۱۳۰۵ به ۳۴/۹۲۹/۹۵۰ کیلوگرم می‌رسید، با در پیش گرفتن سیاست انقباضی این آمار در سال مالی ۱۳۱۴ به ۸/۹۵۰/۸۷۴ کیلوگرم رسید. (مجله بانک ملی، ۱۳۱۶، ش: ۲۱: ۳۴-۳۱) یعنی برای تثبیت قیمت برنج، صادرات این محصول محدود گردید.

با تمام این اوصاف کمبود منابع ارزی دولت به رغم نظارت شدید اقتصادی محسوس بود. بعلاوه تغییر اولویت‌های اقتصادی کشور در برخی موارد، باعث کندشدن فرایند رشد اقتصادی می‌شد. مثلاً شورای اقتصاد که عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری‌های کلان درباره سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بود، گاهی اوقات مانع ورود برخی ماشین‌آلات به کشور می‌شد. در یازدهم

فروردین ماه ۱۳۱۶ کمیسیون اسعار که تصمیم گیرنده اصلی سیاست پولی کشور بود، به منظور ممانعت از خروج ارز، با ورود ماشین‌های لازم برای شرکت‌های ریسندگی و بافندگی نوبر، سپاهان، توانا، شرکت چیت و چلووار صحت و مخمل بافی حاج محمدعلی اصفهانی مخالفت کرد. (ساکما، ش ۲۹۱۰۰۳۵۶۸) شاید علت امر این بود که در زمینه نساجی، کشور به حدی قابل توجه از رشد اقتصادی رسیده بود که دیگر ضرورتی برای توسعه بیشتر آن احساس نمی‌شد و ترجیح داده می‌شد منابع ارزی کشور به سوی تولیدات صنعتی دیگر سوق داده شوند.

لازم به توضیح است که بر اثر سیاست تثبیت نرخ پول ملی و البته تقویت آن، شاخصهای زندگی بهبود کمی و کیفی یافت. هرچند به طور مثال در سال ۱۳۱۵ بر اساس آمارهای بانک ملی شاخص های اقلام خوراکی در ابتدا و پایان سال حدود ده درصد افزایش نشان می‌داد، اما با توجه به پیامدهای بحران اقتصاد جهانی این میزان قابل توجیه بود. (مجله بانک ملی، ۱۳۱۶، ش ۱۱: ۱۳) همچنین به دلیل سیاستهای اعمال شده، بر اساس گزارش مجله بانک ملی تا پایان سال ۱۳۱۴ نرخ برابری ارزهای خارجی، «فوق العاده تقلیل یافت.» (همان، ۱۳۱۵، ش ۷: ۱۸) در مجله بانک ملی جزئیات تغییر و تحولات بازار ارز به تفکیک ماههای سال قید شده بود. (همان، صص ۲۲-۳۴)

۷. نتیجه گیری

سیاست پولی دولت‌های ایران از سال ۱۳۰۸ به بعد، به دلیل برخی ضرورت‌ها و به منظور مقابله با کاهش ارزش پول ملی ایران، ممانعت از روند ورشکستگی کشاورزی و حمایت از تولیدات و صنایع بخش خصوصی انجام گرفت. علت تصویب این قانون نفتیش اسعار، رکود اقتصادی کشور و کاهش صادرات به دلیل وضع تعرفه‌های گمرکی سنگین بر واردات کالاهای ایرانی از سوی اتحاد شوروی بود. همچنین طرف شوروی کالاهایی به ایران صادر می‌کرد که به آنها نیازی نبود، بنابراین نخستین ضرورت تسلط دولت بر تجارت خارجی این موضوع بود.

موضوع دوم کاهش روزافزون ارزش پول ملی بود، برای این منظور تصویب شد که هیچ کس حق ندارد ارزی از کشور خارج کند مگر اینکه این موضوع به تصویب کمیسیون نفتیش اسعار یا همان کمیسیون نظارت بر خرید و فروش ارز برسد. نکته مهم‌تر این بود که هرکس از خزانه ارز دریافت می‌کرد، می‌بایست معادل ارزی را که دریافت کرده است، به واردات کالاهای مورد نیاز اختصاص دهد. نظارت شدیدی بر صادرات و واردات انجام گرفت، به این شکل از

افزایش تصاعدی نرخ ارز ممانعت شد. همچنین اقلام مصرفی مورد نیاز مردم به شدت کنترل می‌شدند تا به قیمت متعارف در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرند و از رشد بی‌رویه قیمت‌ها جلوگیری شود. برای این منظور سیاست حمایت از اقتصاد کشاورزی سرلوحه برنامه‌ریزی‌ها قرار گرفت، به گونه‌ای که ایران از سال ۱۳۱۱ به بعد صادرکننده برخی اقلام کشاورزی به ویژه برنج و غلات شد، همچنین برخی کالاهای به ظاهر بی‌ارزش مثل آنغوزه و زرشک هم در زمره اقلام صادراتی کشور درآمدند.

بعلاوه بخش خصوصی قدرتمندی شکل گرفت که زیر نظر دولت با برخی کشورهای خارجی مثل آلمان رابطه اقتصادی مستحکمی برقرار کردند. به این شکل موازنه تجاری کشور مثبت شد، از طریق صادرات محصولات مثل پنبه و قالی و زعفران، عواید ارزی سرشاری نصیب دولت گردید. نرخ ارز ثابت ماند و از بروز رکود و بحران اقتصادی ممانعت به عمل آمد.

در این میان دولت آلمان نازی گسترده‌ترین روابط اقتصادی را با ایران داشت، علت امر این بود که هر دو کشور بر تجارت خارجی خویش اعمال انحصار می‌کردند و به دلیل سیاست‌های مشابه در زمینه انحصار تجارت خارجی، طبعاً بیشترین میزان مناسبات اقتصادی هم بین این دولت‌ها انجام می‌شد. علت گسترش مناسبات اقتصادی با ژاپن که اندیشه‌های تمرکزگرایانه اقتصادی داشت، در همین امر خلاصه می‌شد. به رغم همه این دستاوردها، به دلیل تغییر اولویت‌های اقتصادی در زمینه تولیدات کشاورزی و همچنین صنایع مولد، در برخی موارد به منظور مقابله با خروج ارز و تخصیص منابع برای رشد صنایعی مثل راه‌آهن، سیاست‌های انقباضی شدیدتری اعمال می‌شد که لطمه‌هایی به بخش خصوصی وارد می‌کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع در این زمینه نک: ژید، شارل و ریست، شارل (۱۳۸۱)، تاریخ عقاید اقتصادی، ج ۲: از مکتب تاریخی تا جان مینارد کینز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. برخی محققین ظهور جنبش‌های فاشیستی و نژادپرستانه را گریزگاه نظام سرمایه‌داری برای انحراف افکار عمومی از معایب این نظام به سوی هدفی فرعی میدانند، اینها بر این باور بودند که اروپا برای خروج از بحران‌های اقتصادی ناشی از نظام سرمایه‌داری، به ایدئولوژیهای نژادپرستانه نیاز داشت. در این مورد نک: کونل، راینهارد (۱۳۵۸)، فاشیسم مفر جامعه سرمایه‌داری از بحران، ترجمه منوچهر فکری ارشاد، تهران: توس.

3. Friedrich List (1789-1846)

۴. در صفحات ۵ تا ۱۴ این شماره نشریه، اطلاعات بسیار دقیقی در باره مزارع و کارخانه های چغندر قند در نقاط مختلف کشور ارائه شده و نمودارها نشان می‌دهند که واردات قند به شدت تنزل داشته است.

۵. در این صفحات شرکتهای سهامی متعدد و متنوعی معرفی شده اند که در نوع خود منحصر به فرد بوده اند.

کتاب‌نامه

روزنامه اطلاعات، (۱۳۱۵)، شماره ۱۲۵۵؛ (۱۳۱۵)، شماره ۱؛ (۱۳۱۶)، شماره ۳۳۷۹؛ (۱۳۱۰)، شماره ۱۵۷۴؛ (۱۳۰۹)، شماره ۱۲۵۵؛ (۱۳۰۹) شماره ۱۱۴۴؛ (۱۳۱۱)، شماره ۱۴۰۲؛ (۱۳۱۶) شماره ۳۳۷۹؛ (۱۳۱۱)، شماره ۳۲۷۸؛

روزنامه شفق سرخ (۱۳۰۸)، شماره ۱۳۰۷؛

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره (۲۴۰۰۱۵۵۸۰)؛ سند شماره (۲۴۰۰/۱۹۷۰)؛ سند شماره (۲۴۰۰/۱۹۱۱۸۲)

مجله اطاق تجارت، (۱۳۱۷)، شماره ۹؛ (۱۳۰۸)، شماره ۴؛ (۱۳۱۰)، ش ۳؛ (۱۳۱۱)، شماره ۵۲؛

مجله بانک ملی ایران، (۱۳۱۲)، ش ۱؛ (۱۳۱۳)، ش ۲؛ (۱۳۱۳)، ش ۳؛ (۱۳۱۳)، ش ۴؛ (۱۳۱۶)،

ش ۱۳؛ (۱۳۱۴)، ش ۶؛ (۱۳۱۵)، ش ۱۰؛ (۱۳۱۵)، ش ۱۱؛ (۱۳۱۵)، ش ۷؛ (۱۳۱۵)، ش ۸؛

(۱۳۱۵)، ش ۹؛ (۱۳۱۶)، ش ۱۱؛ (۱۳۱۶)، ش ۱۲؛ (۱۳۱۶)، ش ۲۱؛ (۱۳۱۷)، ش ۲۷؛

(۱۳۱۷)، ش ۳۳؛ (۱۳۱۹)، ش ۴۶؛ (۱۳۱۸)، ش ۳۶.

مجله قشون، (۱۳۰۱) شماره ۱.

مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانونگذاری، (۱۳۲۰)، تهران، چاپخانه مجلس.

صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره هفتم قانونگذاری، (۱۳۰۸)، تهران، چاپخانه مجلس.

بهرامی، تقی (۱۳۳۰)، «جغرافیای کشاورزی ایران»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رزاقی، ابراهیم، آشنایی با اقتصاد ایران، (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات نی.

لیست، فردریک، «نظام ملی اقتصاد سیاسی» (۱۳۸۷)، ترجمه ناصر معتمدی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

متین دفتری، احمد، کلید استقلال اقتصادی ایران، (۱۳۰۴)، تهران، مطبعه مجلس.

پیامدهای اقتصادی سیاست ارزی ایران در ... (فروغ یزدانی و دیگران) ۳۸۱

محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، (۱۳۷۶)، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
وحید مازندرانی، غلامعلی، (۱۳۱۶)، اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

The Encyclopedia Americana, vol,17.1985, Boston: Grolier Incorporated.

